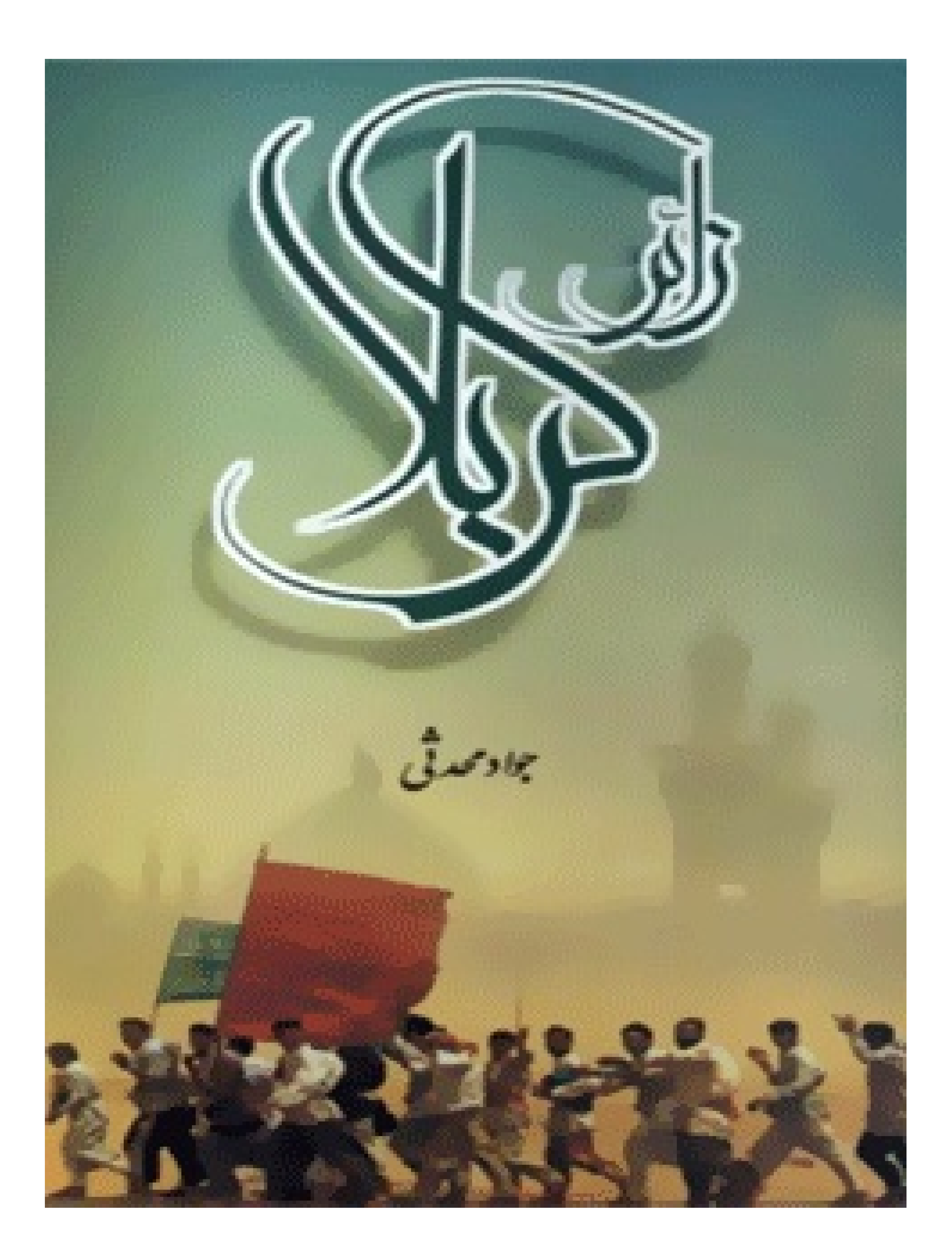


راز کربلا
جواد محدثی


بسم الله الرحمن الرحیم

زائر کربلا

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زائر کربلا

مشخصات کتاب

سرشناسه : محدثی، جواد، ۱۳۳۲ -

عنوان و نام پدیدآور : زائر کربلا/جواد محدثی.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۵۹ ص.؛.م‌س ۲۲ × ۱۲

شابک : ۴۵۰۰ ریال:۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۱۲-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : زیارتگاه‌های اسلامی -- عراق -- راهنماها.

رده بندی کنگره : BP۲۶۳/م۲۵ز۲ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۶۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۲۸۹۵۷

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

با زائر کربلا

آنچه می‌خوانی، دانستنی‌های لازم و مفید، به زبانی ساده و صمیمی و خودمانی درباره زیارت عتبات، تاریخچه چهار شهر مذهبی عراق و حرم امامان و سایر جاهای دیدنی است.

سعی شده این کتاب مختصر، به زبانی نوشته شود که عموم زائران، حتی نوجوانان عزیز هم که در کاروان‌های زیارتی یا به صورت مستقل و خانوادگی به زیارت کربلا می‌روند، بتوانند از آن استفاده کنند.

برایت آرزوی زیارتی مقبول و پرثمر دارم.

خدا را شکر کن که توفیق این زیارت را یافته‌ای، زیارتی که خیلی‌ها در آرزوی آنند، زیارتی که سال‌های سال، مردم ایران از آن محروم بودند و شهدای عزیز هم با عشق کربلا به جبهه‌ها رفتند و شهید شدند، یادشان به خیر.

جواد محدثی

فروردین ۸۷

زیارت و زیارتنامه

ص: ۸

ص: ۹

تو که «زائر» هستی، خیلی چیزها را درباره زیارت باید بدانی تا بهره‌ها و ثواب‌های بیشتری ببری.

اینکه پیشوایان ما سفارش کرده‌اند به زیارت حرم‌ها و قبور انسان‌های پاک و شهدای راه خدا و امامان معصوم برویم، هم برای ادای احترام به آنان است، هم برای آن است که از آنان درس پاکی و ایمان و بندگی و کار نیک بیاموزیم، هم برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره آنان است، هم آشنا شدن با الگوها و سرمشق‌های انسانیّت است، هم به خاطر آن است که وفاداری خودمان را به راه آنان نشان دهیم و بکوشیم مثل آنان باشیم، هم نشان دادن عشق و علاقه قلبی به کسانی است که جان خود را در راه دین و برای خدا فدا کردند و هم برای خیلی آثار و برکات و سازندگی‌های اخلاقی و تربیتی است که در «زیارت» وجود دارد.

زیارت، گاهی به آن است که با پیمودن راه و مسافرت کردن، از شهر و کشور خود به جایی رویم که مرقد یک امام معصوم یا پیامبر یا یکی از فرزندان اوست و با این حضور نشان دهیم که به صاحب آن قبر و حرم، علاقه داریم و احترام می‌گزاریم، گاهی هم زیارت از راه دور است. مثلًا اگر

ص: ۱۰

بخواهی امام حسین علیه السلام را زیارت کنی، از شهر و خانه خود هم می‌توانی رو به سوی حرم او کنی و بگویی: «السلام علیك یااباعبداللَّه ...»، و به همین اندازه هم، کاری پسندیده است و ثواب دارد. ولی بهتر آن است که انسان به کربلا- سفر کند و از نزدیك، سلام دهد و عرض ادب کند و ثواب بیشتری ببرد. برای هر قدمی که در این راه برداشته شود ثواب است و هر چه در این راه، زائر بیشتر رنج و سختی ببیند، پاداش زیارتش بیشتر خواهد بود.

ما می‌توانیم خطاب به امامی که زیارتش می‌کنیم، به هر زبانی سلام و درود بگوییم و ابراز عشق و علاقه کنیم و او را بستاییم، ولی امامان ما گاهی دستورهای خاصّی داده‌اند و متن ویژه‌ای به ما آموخته‌اند تا در زیارت امام حسین، پیامبر خدا، حضرت فاطمه، امام علی و ... آن متن را بخوانیم. به چنین متن‌هایی «زیارت نامه» گفته می‌شود که یا کوتاه است، یا بلند.

به زیارت‌هایی که از امامان برای ما نقل شده است، زیارتنامه «مأثور» گفته می‌شود. زیارتنامه‌های دیگر را «غیر مأثور» می‌گویند. وقتی بر سر تربت یک پیشوای بزرگ یا امامزاده می‌ایستیم و زیارتنامه می‌خوانیم، هم او را از غربت در می‌آوریم و هواداری خودمان را نسبت به او و اهدافش نشان می‌دهیم، هم برای خود ما سازنده است و روح و جان ما را پاك می‌کند و سبب می‌شود از گناهان توبه کنیم و طوری زندگی داشته باشیم که آنان بپسندند.

در زیارتنامه‌ها، هم اوصاف و خوبی‌ها و فضیلت‌های آن پیشوایان مطرح می‌شود، هم سلام و درود ما به آنها، هم نفرت و بیزاری ما از دشمنان و قاتلانشان. در بعضی

ص: ۱۱

زیارتنامه‌ها هم معانی بلنـد و معارف دینی و نکات بسـیار سودمند درباره خدا و پیامبر و دین و قرآن و راه راست و جهاد در راه حق و همبستگی با پیامبر و اهل بیت و اظهار برائت و بیزاری از افراد بد و ستمگر است.

رفتن به زیـارت ائمّه، یـا خوانـدن زیارتنامه از دور، وقت خاصّی نـدارد. هر کس هر زمان که بخواهـد، می‌توانـد به زیارت برود، یا زیارتنامه بخوانـد، ولی در برخی روزها و مناسـبت‌ها توصـیه بیشتر شـده و ثواب بیشتری هم دارد. مثلًا توصـیه شـده امام حسـین علیه السـلام را در شب‌های قـدر، در مبعث و عیـد فطر و روز عرفه، در نیمه شـعبان و عید غدیر و در روز عاشورا و اربعین و اوقات دیگر زیارت کنیم، از دور یا نزدیک.

زیارتنامه‌های مختلفی هم برای آن حضرت نقل شده که مشهورترین آنها «زیارت عاشورا» و «زیارت وارث» است.

وقتی به زیـارت یـک حرم می‌روی، بایـد احساس کنی که به خانه آن امام یا فرزنـد امام رفته‌ای و خود را در حضور او حس کنی و ادب و متانت را مراعات کنی و از رفتاری که شایسته مقام او نیست بپرهیزی.

اینکه گفته‌اند:

قبل از زیارت، غسل زیارت کن و با وضو به حرم برو،

لباس‌های تمیز بپوش و عطر بزن و خود را آراسته کن،

قدم‌های خود را آهسته بردار و با ادب به زیارت برو،

قبل از ورود به حرم «اذن ورود» بخوان،

در برابر ضریح بایست و زیارتنامه را با توجّه کامل بخوان،

در حرم‌ها، برای دیگران مزاحمت پیش نیاور و سر و صدا نکن،

پس از زیارت، دو رکعت نماز بخوان و آن را به روح آن

ص: ۱۲

امام هدیه کن،

از متن‌های خاصّ «زیارتنامه» استفاده کن و آنها را بخوان،

سعی کن حالت تو بعد از زیارت، بهتر از قبل از آن باشد و زیارت در تو تأثیر داشته باشد،

با مردم و خادمان خوشرفتاری کن،

و ... برخی نکات دیگر که به آنها «آداب زیارت» گفته می‌شود، همه برای مراعات احترام و شخصیت آن فردی است که به زیارتش می‌روی. بزرگان ما و علمای دین وقتی به حرمها می‌روند، این آداب را مراعات می‌کنند و حالت خشوع و خضوع دارند. مهم‌تر از اصل زیارت، پیدا کردن «حال زیارت» است. اگر حال باشد، از زیارت لذّت می‌بری و احساس شادابی روحی و نزدیک شدن به خدا و پاک گشتن از آلودگی‌ها به تو دست می‌دهد.

سعی کن هنگام زیارت، عظمت امام را در نظر داشته باشی و دلت را از محبّت او پر کنی.

بیش از آنکه به صحن و رواق و ضریح و گنبد و گلدسته فکر کنی و مجذوب و مبهوت ساختمان و جنبه‌های هنری و معماری آن شوی، به خود امام و شخصیت او و حرف‌ها و زندگی‌اش فکر کن و اینکه او چگونه بوده که چنین مقامی پیدا کرده و تو چگونه می‌توانی راه او را دامه دهی و پیش خدا و بندگان خویش، عزّت و احترام داشته باشی. چون زیارت برای همین ا ست که ما هم تربیت شویم و انسان‌های پاک و صالحی گردیم.

این، نخستین قدم برای انجام یک زیارت خوب و مقبول است.

ص: ۱۳

دانستنی‌های اوّلیه

دوست داری قبل از رفتن به کربلا و زیارت عتبات، با سرزمین عراق و شهرها و جاهای دیدنی و زیارتگاه هایش و شخصیّت امامان معصوم و اصحاب با وفای امامان آشنا شوی و بدانی که در این سرزمین چه گذشته است و جاهای دیدنی آن کجاست؟ کربلا و نجف و کاظمین و سامرّا کجاست؟ چه شد که امامان ما در این شهرها شهید و مدفون شدند؟ چرا به زیارتشان می‌رویم؟ در زیارت، چه آدابی را باید مراعات کنیم؟ مسجد کوفه و مسجد سهله کجاست؟ و خیلی سؤال‌های دیگر ...

هر چه آگاهی و شناخت‌های قبل از سفر بیشتر باشد، از این سفر مقدّس لذّت بیشتری می‌بری و دیدن شهرها، حرم‌ها و جاهای گوناگون، اطلاعات قبلی تو را به یاد می‌آورد و دیدارها معنای دیگری می‌یابد و حسّ بهتری پیدا می کنی.

محور زیارت‌ها و زیارتگاه‌های عراق، عبارت است از:

نجف، کربلا، کاظمین، سامرّا. اگرچه مسافران به عتبات را «زائر کربلا» می گویند، ولی تنها زیارت کربلا نیست. شهرها و حرم‌های دیگر و جاهایی که در حاشیه این شهرها یا بین این

ص: ۱۴

شهرهاست نیز زیارت می‌شود.

ترتیبی را که در این نوشته می‌بینی، شروعش از نجف است و پایانش سامرّا. البته شاید ترتیب زیارت رفتن تو و همراهانت طور دیگر باشد. فرقی نمی‌کند. مهم این است که با آن سرزمین و زیارتگاه‌هایش آشنا شوی تا هنگام زیارت، حسّ و حال خوبی داشته باشی و با امامانی که مدفن پاک آنان را زیارت می‌کنی و ضریحشان را می‌بوسی رابطه برقرار کنی. اگر چنین شود، خود را آنجا غریب حس نمی‌کنی و دلت تنگ نمی‌شود، با شوق و علاقه زیارت می‌کنی و از این زیارت، لذّت می‌بری.

در همین آغاز، خوب است این اطلاعات را هم در ذهن داشته باشی که عراق، سرزمینی حاصلخیز است و تاریخچه‌ای کهن و باستانی و تاریخی پرفراز و نشیب و مراکز علمی فراوان و دانشمندان معروف داشته است. دو رودخانه مهم دجله و فرات که از کوه‌های ترکیه سرچشمه می‌گیرد، از شمال تا جنوب عراق می‌گذرد. به همین جهت به سرزمین عراق، «بین النهرین» هم می‌گفتند، یعنی بین دو رودخانه. از شهرهای معروف آن می‌توان بغداد، سامرا، حِلّه، کوفه، بصره، موصل، نجف، کربلا و کاظمین را نام برد. در زمان‌های خیلی قدیم، عباسیان در همین سرزمین حکومت می‌کردند و بغداد، پایتخت آنان بود. قبل از آنان هم حاکمان بنی امیّه در بسیاری از شهرهای آن حکومت داشتند و پیوسته به شیعیان و امامان ما ظلم می‌کردند.

عراق امروز، حدود ۲۵ میلیون نفر جمعیت دارد که بیشتر آنان (۷۵ درصد) شیعه‌اند. کمی هم مسیحی در آن

ص: ۱۵

وجود دارد. در مناطق شمالی عراق، بیشتر کردها ساکن‌اند و در مناطق مرکزی و جنوبی بیشتر عرب‌ها حضور دارند. این کشور ۱۸ استان دارد. با آنکه در عراق، شیعیان اکثریت را داشته‌اند، ولی اغلب در محرومیّت بوده‌اند و پست‌ها و موقعیّت‌های سیاسی و اقتصادی بیشتر دست سنّی‌ها بوده است.

این‌ها دانستی‌های کوتاه و مفیدی است که خوب است از کشور همسایه‌مان عراق بدانی، کشوری که در برخی دوره‌ها روابط خوبی با ایران داشته و در بعضی دوره‌ها روابط این دو کشور تیره بوده و شیعیان ایرانی در حسرت و آرزوی رفتن به کربلا و نجف و زیارت حرم امامان در این کشور بوده‌اند.

به حرم امامان در شهرهای عراق، «عَتَبات عالیات» می‌گویند، یعنی آستان‌های بلند و ارجمند که مورد احترام است. باید خدا را شکر کنی که راه کربلا باز است و توفیق زیارت حرم امام حسین علیه السلام و زیارتگاه‌های دیگر برای تو فراهم شده است.

خوب، پس از این مقدمه، سری به «نجف اشرف» می‌زنیم و با سابقه آن و شهر کوفه و حضرت علی علیه السلام و جاهای دیدنی این شهرها آشنا می‌شویم.

ص: ۱۶

ص: ۱۷

نجف شهر عشق و ولایت

نجف، از گذشته تا کنون

اشاره

ص: ۱۸

ص: ۱۹

در نجف اشرف، حرم حضرت علی علیه السلام را زیارت می کنی و در کوفه، خانه و مسجد آن حضرت را.

امام علی علیه السـلام، امام اوّل ما شـیعیان است. امّا اینکه چه شد آن پیشوای پاک که در مدینه زندگی می کرد، به سرزمین عراق و به شهر کوفه آمد و چرا در نجف به خاک سپرده شد؟

باید کمی به عقب‌تر برگردیم و پا به پای حوادث حرکت کنیم تا به جواب این سؤال‌ها برسیم.

می‌دانی که علی بن ابی طالب علیه السـلام در مکّه و در درون خانه کعبه به دنیا آمد و در آن شهر بزرگ شد. وقتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله به پیامبری برانگیخته شـد، علی علیه السـلام نوجوانی بود که به عنوان اوّلین نفر به او ایمان آورد و از همراهان و یاران و مدافعان او گشت. چند سال گذشت. پیامبر از مکّه به مدینه هجرت کرد. چند روز پس از آن، علی علیه السـلام هم به مدینه رفت و به پیـامبر خـدا صـلی الله علیه و آله و مسـلمانان پیوست. در کنار پیامبر بود و در صـحنه حضور داشت و در جنگ‌ها شـرکت می کرد و دشـمنان خدا را می کشت. شایسته‌ترین فرد و با ایمان‌ترین مؤمنان بود و بهترین و شایسته‌ترین مسلمانی بود که می‌توانست به جای پیامبر، مردم را رهبری کند.

ص: ۲۰

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بارها پیش از وفات خود، از جمله در «غدیر خم» او را به جانشینی خود تعیین کرد و فرمان خدا را در این مورد اجرا نمود. امّا عدّه‌ای که ریاست طلب بودند، پس از درگذشت پیامبر، نگذاشتند او به قدرت برسد و جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله شود. او را کنار زدند و کس دیگری را به قدرت رساندند. آن حضرت هم برای حفظ وحدت مسلمین، بر سر حکومت با آنان درگیر نشد. مدّت ۲۵ سال، او را از صحنه اداره جامعه حذف کردند. البته ضرر آن به جامعه‌ای می‌رسید که از رهبری پیشوایی همچون امیرالمؤمنین علیه السلام محروم می‌شد.

سرانجام، در سال ۳۵ هجری، پس از کشته شدن خلیفه سوم (عثمان) مردم به او روی آوردند و با او بیعت کردند و علی علیه السلام حاکم مسلمانان شد و تصمیم گرفت در کشورداری و حکومت به شیوه عدالت و طبق قرآن و روش پیامبر عمل کند و با انحرافات مبارزه کند. این روش برای بعضی غیر قابل تحمّل بود. بعضی از کسانی که کینه او را در دل داشتند، مثل طلحه، زبیر، معاویه، عمروعاص و دیگران، با بهانه‌های مختلف دست به آشوب زدند و در بصره و جاهای دیگر ایجاد ناامنی کردند و به قصد برهم زدن حکومت امام، نیروهای مخالف و مسأله‌دار را گردآوری کردند و بصره محلّ فتنه‌گری آنان شد.

این بود که امام علی علیه السلام برای فرو نشاندن آن فتنه‌ها و سرکوبی دشمنان حق، به کوفه رفت. کوفه از مدینه فاصله زیادی داشت و در سرزمین عراق بود. امّا چون امکانات و

ص: ۲۱

نیروهای طرفدار در آنجا بیشتر و به کانون فتنه گران هم نزدیک‌تر بود، امام در کوفه مستقر شد و نیروهای خود را سازماندهی کرد و به مقابله با سرکشان و فتنه جویان پرداخت. سه جنگی که پیش آمد، یعنی جنگ جمل، جنگ صفّین و جنگ نهروان، در واقع فرو نشاندن فتنه و مقابله با دشمنان امامت و ولایت بود.

حضرت علی علیه السلام پایتخت حکومت اسلامی را در کوفه قرار داد و در خانه‌ای نزدیک مسجد کوفه ساکن شد. وقتی به کوفه می‌روی، از خانه کوچک امام علی علیه السلام و اتاق‌های ساده آن و چاهی که داخل خانه است و محلّی که پیکر او را غسل دادند و جایی که امام حسن و امام حسین نشستند و مردم برای تسلیت‌گویی می‌آمدند، دیدار می‌کنی و دلت برای آن امام شهید و مظلوم می‌سوزد.

در کوفه مسجد بسیار بزرگی است به نام «مسجد کوفه» که خیلی مقدس و بافضیلت است. بسیاری از بندگان خوب خدا و پیامبران گذشته در زمین آن، خدا را عبادت کرده‌اند.

نماز در آن ثواب زیادی دارد. امامان ما به قصد نماز خواندن در مسجد کوفه، از مدینه به آنجا سفر می‌کردند.

امام، در نزدیکی مسجد، خانه ساده‌ای برای خود فراهم کرد و از مسجد کوفه به عنوان پایگاه دینی و حضور مردم و بسیج نیروها و محلّ تجمّع یاران استفاده می‌کرد و در آن مسجد برای نیروهای خود سخنرانی و موعظه می‌کرد، نماز جمعه و جماعت می‌خواند، میان مردم قضاوت و داوری می‌کرد، به مشکلات مردم می‌رسید، سؤالات افراد را جواب

ص: ۲۲

می‌داد و هنگام نیاز، سربازان خود را فرامی‌خواند و دستور می‌داد و از همان جا به جبهه نبرد اعزام می‌شدند.

حضرت علی علیه السلام در این مسجد بسیار دعا و نماز خوانده است. مناجات حضرت علی علیه السلام در مسجد کوفه از دعاهای معروف و زیباست.

حدود پنج سال حضرت علی علیه السلام به عنوان پیشوای مسلمانان و حاکم اسلامی، مردمی‌ترین حکومت را در این شهر داشت. مردم کوفه خاطرات زیادی با او داشتند.

سرانجام در صبحدم روز ۱۹ رمضان سال ۴۰ هجری، در حال نماز، توسّط یکی از «خوارج نهروان» ضربت خورد و دو روز بعد به شهادت رسید. وقتی به دیدار مسجد کوفه می‌روی، در شبستان طرف قبله، محرابی که حضرت امیر علیه السلام در آن ضربت خورد و ندای «فُزتُوربّ‌الکعبه» سر داد (یعنی: به خدای کعبه سوگند، رستگار شدم) مشخص است و دیدن آن یادآور آن فاجعه خونین ا ست.

درباره مسجد کوفه بازهم سخن خواهیم گفت.

خوارج، از سرسخت‌ترین دشمنان متعصّب امام بودند.

بیم آن بود که نسبت به جسد پاک آن حضرت اهانت کنند.

طبق وصیّت خود امام علی علیه السلام، تابوت جنازه آن حضرت را به محلّی بیرون شهر بردند که امروز به نام «نجف» مشهور است و حدود ده کیلومتر با کوفه فاصله دارد. دفن پیکر حضرت علی علیه السلام در آنجا مخفیانه انجام گرفت و جز خانواده او و بعدها امامان ما از محلّ قبر، اطلاعی نداشتند. بیش از صد سال گذشت و قبر او همچنان ناشناخته بود. تا آنکه در

ص: ۲۳

زمان منصور دوانیقی جایگاه قبر او آشکار شد. اولین بقعه ساده‌ای که روی قبر مطهرش ساخته شد در سال ۱۵۵ هجری بود. بتدریج، قبّه و بارگاه و حرم و زائرانی پیدا شدند و مدفن او از غربت درآمد و به مرور زمان، تغییرات و بازسازی‌ها و توسعه‌هایی صورت گرفت، تا به وضع امروز رسید که حرم باصفا و گنبد طلایی و صحن و سرا و ایوان باعظمت آن، زیارتگاه دوستداران اوست.

امروز، کسی که وارد حرم آن امام می‌شود، علاوه بر زیارت قبر مطهر و بوسه بر ضریح روح‌بخش او و سلام بر حضرت آدم و حضرت نوح که طبق متن زیارتنامه امام، در کنار قبر آن حضرت مدفونند، مرقد تعداد فراوانی از علما و بزرگان دین و شخصیّت‌های معروف را هم که در مجموعه حرم قرار دارد زیارت می کند. مثل علامه حلّی (وفات ۷۲۶ هجری)، علامه بحرالعلوم (وفات ۱۲۱۲ هجری)، شیخ انصاری (وفات ۱۲۸۱ هجری) سید ابوالحسن اصفهانی (وفات ۱۳۶۵ هجری). در دو طرف ایوان زیبا و باصفا و طلایی حضرت علی علیه السلام هم در دو اتاق، قبر مرحوم مقدّس اردبیلی (وفات ۹۹۳) و حاج آقا مصطفی خمینی (شهادت ۱۳۵۶ شمسی) قرار دارد. در بقعه‌های صحن آن امام، قبر علمای دیگری هم هست که همه از بزرگان و افتخارات شیعه‌اند. مثل شیخ عباس قمی صاحب مفاتیح الجنان و استادش میرزا حسین نوری، سید کاظم یزدی (صاحب عروۀالوثقی)، میرزای نایینی، سید شرف الدین.

قبر مرحوم علامه امینی نویسنده کتاب الغدیر، و شیخ

ص: ۲۴

طوسی، بنیانگذار حوزه علمیه نجف در هزار سال پیش نیز در نجف و بیرون از حرم است.

نجف، یک تاریخ کهن را در دل خود دارد. در شمال شرقی این شهر در مسیری که می‌خواهی به کوفه و کربلا بروی قبرستانی وجود دارد به نام «وادی السلام». قبرستان بسیار وسیع و قدیمی است. آن قدر بزرگ است که آخر آن دیده نمی‌شود. به اندازه یک شهر است. وسعت آن را بیش از ۲۰ کیلومتر مربع گفته‌اند. سرزمین مقدسی است. هزاران انسان صالح و عارف و علمای بسیاری از قدیم‌ترین زمان‌ها تا دوران اخیر در آنجا مدفونند. وقتی به دیدار این گورستان قدیمی می‌روی، قبر دو نفر از پیامبران الهی یعنی حضرت هود و حضرت صالح هم آنجاست و قبّه و مزار دارند و به زیارت آن دو می‌روی. از این قبرستان و مدفونین در آنجا خیلی حرف‌ها و قصّه‌ها نوشته‌اند. در روایات هم آمده است که روح انسان‌های مؤمن و خوب، پس از جدا شدن از بدن، به وادی السلام می‌رود و آنجا ارواح پاک با هم انس و الفت دارند.

مسجد کوفه و مسجد سهله

بیشتر برای عبادت و نماز به این دو مسجد مهم می‌رود.

«مسجد کوفه»، که در شهر کوفه است، بسیار بافضیلت است. نماز خواندن در آن ثواب زیادی دارد و یکی از چهار

ص: ۲۵

مسجد بزرگ و قدیمی و بافضیلت در جهان اسلام است. (۱) به گوشه‌ای از سابقه و فضیلت آن پیشتر اشاره شد. اعمال و آداب خاصّی دارد. این مسجد، محوطه و صحن بزرگی دارد و در بعضی قسمتهای اطرافش شبستان سرپوشیده است و بیشترِ مسجد بی‌سقف است و در فضای آن چندین جایگاه خاص دیده می‌شود که به آن‌ها «مقام» گفته می‌شود. مثل مقام حضرت ابراهیم، مقام امام سجّاد، مقام امام صادق و ...

که محلّ عبادت و نماز و دعای آن بزرگان بوده است.

در روایات است که وقتی امام زمان ظهور کند، کوفه را مرکز حکومت خویش قرار می‌دهد و از مسجد بزرگ کوفه به عنوان مصلّا و نماز خانه خود استفاده می‌کند.

زائران کربلا۔ وقتی از اعمال و عبادت‌های این مسجد فارغ می‌شوند، به زیارت قبر حضرت مسلم می‌روند. کنار مسجد کوفه و چسبیده به ضلع شرقی آن، حرم حضرت «مسلم بن عقیل» با گنبد طلایی و قبر «هانی بن عروه» و به فاصله اندکی مرقد «مختار» دیده می‌شود. مسلم بن عقیل، پسر عموی امام حسین علیه السلام و فرستاده او به کوفه بود که قیام کرد و دستگیر و شهید شد. هانی هم از شخصیّت‌های معروف شیعه در کوفه بود که چون میزبان مسلم بود، ابن

۱- سه مسجد دیگر عبارتند از: مسجدالحرام در مکه، مسجد النبی درمدینه و مسجدالأقصی در فلسطین.

ص: ۲۶

زیاد حاکم کوفه، او را هم دستگیر کرد و مانند مسلم بن عقیل به شهادت رساند. (۱) مسلم و هانی دو شهید بزرگ قیام عاشورا بودند که قبل از عاشورا جان خود را در راه امام حسین علیه السلام فدا کردند. مختار هم کسی بود که چند سال پس از حادثه عاشورا در کوفه قیام کرد و حکومت را به دست گرفت و از قاتلان امام حسین و شهدای کربلا انتقام گرفت و پس از مدتی خودش هم شهید شد.

حضور در مسجد کوفه و نماز و عبادت در آن بسیار پسندیده است و امید است که این توفیق را داشته باشی و چون به آنجا برسی احساس کنی در جایی حضور داری که بسیاری از دوستان خدا در آنجا عبادت‌ها کرده و اشک‌ها ریخته‌اند.

«مسجد سَهله» هم اهمیّت بسیاری دارد. نزدیک مسجد کوفه است. به فاصله چند کیلومتر. آنجا هم قدیمی، بافضیلت و وسیع است و حدوداً ۱۷۰۰۰ متر مربع مساحت دارد، ولی بزرگی آن به مسجد کوفه نمی‌رسد. این مسجد هم «مقام» های متعدّدی دارد که جای عبادت پیامبران گذشته و امامان و اولیای خدا بوده است و نماز در آن‌ها مستحب است و دعاها مستجاب می‌شود.

خیلی از کسانی که مشتاق دیدار امام زمان علیه السلام بوده‌اند، به عشق آن حضرت، چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله رفته و تا صبح بیدار مانده و نماز و دعا خوانده‌اند، تا توفیق زیارت یافته‌اند.

جاهای دیگر

از این دو مسجد که بگذریم، در کوفه و اطراف آن جاهای

۱- شهادت مسلم بن عقیل در روز ۹ ذی حجه سال ۶۰ هجری بود.

ص: ۲۷

دیـدنی و قبور انسان‌های پاک و مساجد مختلفی است که هر کدام از آن‌ها داسـتانی دارد. حرم باصـفای «میثم تمّار» یار باوفای علی بن ابی طالب علیه السلام نزدیک مسـجد کوفه است، همان شهیدی که در سال ۶۰ هجری به دست ابن زیـاد و به جرم دوستی علی علیه السـلام دستگیر و به دار آویخته شد. آرامگاه «زید بن علی» فرزند امام سجاد علیه السلام نیز که در سال ۱۲۲ هجری بر ضدّ بنی امیّه و ظالمـان قیام کرد و به شـهادت رسـید، در همین شـهر است. از خانه کوچک و باصـفای علی علیه السـلام که بسـیار دیـدنی و پرخاطره است و نزدیک مسجد کوفه قرار دارد، قبلًا یاد کردیم.

اصـلًا سـرزمین عراق، به خصوص کوفه، ماجراهـای بسـیاری دارد که خوب است وقـتی این منطقه را زیـارت می‌کنی، آن حوادث و خاطرات را در ذهن خودت مرور کنی.

آن همه سـخن که از فرات و نهر علقمه شنیده‌ای، در این سرزمین است، دوران حکومت امیر مؤمنان در همین شهر کوفه بود. اقامت چنـد ماهه امام مجتبی علیه السـلام پس از شـهادت علی علیه السـلام نیز همین جا بود. مسـلم بن عقیل، نماینـده حسـین ابن علی علیه السـلام را در همین شـهر به شـهادت رساندنـد و پیکرش را از بالای دارالإماره (کاخ حکومتی ابن زیاد) به زیر انداختند. امام حسـین علیـه السـلام برای پاسـخ به دعوت‌هـای مکرّر مردم کـوفه بـود که عـازم این سـرزمین شـد و قبـل از آنکه به کـوفه برسـد، در کربلا محاصـره و شـهید شـد. اسـرای اهل بیت را پس از عاشورا وارد همین شـهر کردند و سـخنرانی پرشور حضـرت زینب در کوفه اتّفاق افتاد. روضه طفلان مسلم را که

ص: ۲۸

شنیده‌ای، در همین شهر اتفاق افتاد. «حُجر بن عدی»، آن مرد انقلابی و شجاع با یارانش در همین شهر قیام کرد و سرانجام به دستور معاویه در شام و محلّی به نام «مرج العذراء» شـهید شد. «عمرو بن حَمِق خُزاعی» از یاران خاص حضرت علی علیه السلام را در کوفه شهیـد کردنـد. میثم تمّار و «رُشـید هَجَری» در همین شـهر شـهید شدنـد. نهضت توّابین بر ضدّ حکومت بنی‌امیّه در سال ۶۵ و قیام و خروج مختار در سال ۶۶ در همین شـهر اتفاق افتاد. جنایت‌های زیادی که «حَجّاج بن یوسف» انجام داد و هزاران نفر از شیعیان علی علیه السـلام را کشت، در دورانی بود که او حاکم این شـهر بود. دستگیری و شهادت کسانی همچون کمیل بن زیاد، سعید بن جبیر، قنبر غلام حضرت علی و ... همه از حوادثی است که در کوفه رخ داده است.

این‌هـا را برای این می‌گویم که وقـتی از کوچه‌هـا و خیابان‌هـای کوفه و جاده‌هـا و منـاطق این سـرزمین عبور می‌کنی، بـدانی که چه اتّفاقاتی در اینجا افتاده است و حسّ خوبی پیدا کنی و با معرفت و شناخت بهتر زیارت کنی.

... باز هم نجف

باز هم برمی‌گردیم به نجف، شهر ولایت و امامت، زیارتگاه شیعیان جهان.

نجف، شهر عزیز و دوست داشتنی است. حرم مولایمان علی علیه السلام که به او عشق می‌ورزیم، بر جاذبه آن می‌افزاید.

خیلی‌ها آرزویشان این بوده که پس از مرگ، پیکر آنان را به

ص: ۲۹

نجف اشرف ببرند و در این شهر که متعلّق به امیرالمؤمنین است به خاک بسپارند، چه در حرم آن امام، چه در گورستان وادی‌السلام که مدفن هزاران نفر از انسان‌های خوب و باتقوا و اولیای خداست.

حتماً اسم «حوزه علمیه نجف» را شنیده‌ای. گفتم که هزار سال قبل، یکی از دانشمندان بزرگ شیعه به نام شیخ طوسی، حوزه نجف را پایه گذاری کرد و این شهر، تبدیل به جایی شد برای آموختن درس‌های دینی و قرآن و حدیث.

در طول هزار سال، بسیاری در این حوزه درس خوانده و به مقام‌های بالای علمی رسیده‌اند. بسیاری از علما و مراجع بزرگ تقلید در نجف بوده‌اند. درگذشته، کسانی که درس دینی می‌خواندند، برای تکمیل تحصیلات خود و رسیدن به درجات بالاتر به نجف می‌رفتند و از درس بزرگانی که آنجا بودند بهره می‌گرفتند و مجتهد و فقیه می‌شدند و برمی‌گشتند. اگر بخواهیم علمایی را که در نجف زندگی کرده یا درس خوانده و تدریس کرده‌اند و مسلمانان را هدایت نموده‌اند نام ببریم، یک فهرست بسیار طولانی می‌شود.

اگرچه رژیم بعث عراق در دوران صدام و پیش از او، به دلیل دشمنی‌هایی که با علمای دین داشت، بسیاری از عالمان را در این شهر کشت، یا از عراق بیرون کرد و به حوزه علمیه نجف لطمه و ضربه شدیدی زد و آن را از رونق قبلی انداخت، ولی هنوز هم این حوزه، یکی از مراکز علمی مهم در جهان اسلام است.

وقتی حکومت شاه خائن قبل از انقلاب، امام خمینی را

ص: ۳۰

به ترکیه و سپس به عراق تبعید کرد، امام سال‌های سال در حوزه نجف بود و درس می‌گفت و از همان‌جا مبارزات و انقلاب مردم ایران را رهبری می‌کرد و اعلامیه‌هایی که از نجف می‌داد و به ایران می‌رسید، دست به دست می‌گشت و تکثیر و پخش می‌شد و مردم را بیدار می‌کرد.

نجف اشرف را هر چند از نظر آبادانی و امکانات رفاهی عقب نگه داشته‌اند و به وضع آن نرسیده‌اند، ولی با همین وضع هم آرزوی دیرین هر شیعه بوده که روزی توفیق زیارت حرم باصفای امام علی علیه السلام را در این شهر پیدا کند و از معنویت و برکات آن بهره ببرد.

خدا را شکر کن که اکنون این فرصت و توفیق برایت پیش آمده است. مبادا از این سفر زیارتی دست خالی برگردی!

جا دارد خطاب به مولایی که به زیارت بارگاهش آمده‌ای، بگویی:

تو از دیار کعبه‌ای

سفر به سوی تو خوش است

تو بوی کعبه می‌دهی

چه قدر بوی تو خوش است

تمام تار و پود من

گدای توست، یا علی

سراسر وجود من

فدای توست، یا علی (۱)

۱- از: نسرین صمصامی.

ص: ۳۱

کربلا سرزمین عشق و ایثار

تاریخ در جغرافی

اشاره

ص: ۳۲

ص: ۳۳

در کربلا به سرزمینی قدم می گذاری که یکی از بزرگترین حوادث تاریخ و حماسه‌های خونین در آنجا اتفاق افتاده است. سرزمینی که یک دنیا خاطره دارد، هم دل را می‌سوزاند و اشک را جاری می کند، هم به انسان روح غیرت و شجاعت و سلحشوری و مبارزه با ظلم می‌دهد. درباره کربلاـ هم به عقب برمی گردیم و از گذشته‌های دور، تاریخ این شهر و این حرم و حوادث آن را مرور می کنیم.

معاویه، حاکم ستمکار در سال ۶۰ هجری درگذشت.

پسر او یزید به خلافت رسید، در حالی که در آن زمان، امام حسین علیه السلام شایسته‌ترین فرد برای پیشوایی مردم بود و یزید فردی نالایق، هوسباز، شرابخوار و اهل گناه و ظلم بود. یزید در شام (دمشق) حکومت می کرد و امام حسین علیه السلام در مدینه بود. یزید به حاکم مدینه نوشت که امام را وادار کند تا با حکومت یزید بیعت کند و اگر نپذیرفت، گردن او را بزنند.

امام حسین علیه السلام که هرگز حاضر نبود زیر بار حکومت کسی مثل یزید برود، بیعت نکرد و شبانه با تعدادی از بستگان و برادران و فرزندان خود از مدینه خارج شد و به مکّه رفت که حرم خدا و شهری امن بود. شیعیان کوفه که دل خوشی از حاکمان نداشتند، به امام نامه‌های زیادی نوشتند که به کوفه

ص: ۳۴

بیاید و رهبری آنان را برعهده بگیرد تا با یزیدیان مبارزه کنند. این قضایا مربوط به بیش از هزار و سیصد سال قبل است. حتماً داستان کربلا را خوانده و شنیده‌ای. نمی‌خواهم آن قصه طولانی را بگویم.

به هر حال ... امام حسین علیه السلام پس از چهار ماه و پنج روز اقامت در مکّه، به سمت کوفه حرکت کرد. کسانی هم به او پیوستند. در این مدّت، اوضاع کوفه عوض شد. حاکم جدیدی که بسیار بی رحم و ظالم بود (به نام ابن زیاد) بر سر کار آمد و سختگیری‌های زیادی کرد و فرستاده امام حسین، یعنی مسلم بن عقیل را شهید کرد. مردم هم ترسیدند و بی وفایی کردند.

امام حسین علیه السلام پس از ۲۵ روز حرکت، پیش از آنکه به کوفه برسد، در سرزمینی به نام «کربلا» نزدیک رودخانه فرات و نهر علقمه در محاصره هزاران نفر از نیروهای دشمن قرار گرفت. چند روز گذشت، روز عاشورا رسید. لشکریان کوفه را تا ۳۰ هزار و بیشتر گفته‌اند. امّا همراهان امام ۷۲ نفر بودند. از چند روز جلوتر همراهان ا مام با کم آبی رو به رو شده بودند.

در آن سرزمین، نهر آبی لا به لای نخلستان‌ها وجود داشت به نام علقمه. علقمه یک نهر فرعی بود که از رودخانه فرات جدا می‌شد. امام و همراهانش نزدیکی‌های علقمه فرود آمده بودند، تا دسترسی به آب داشته باشند. ولی دشمن، چند هزار سرباز را در حاشیه علقمه گماشته بود تا امام و یارانش نتوانند از آب استفاده کنند. می‌خواستند با تشنه نگه داشتن آنان و فشار کم آبی، آنان را مجبور کنند

ص: ۳۵

تسلیم شوند و از ابن زیاد و یزید پیروی کنند.

از دوم محرّم که وارد این سرزمین شدند و اردو زدند، تا هفتم محرم گاهی نفرات امام، حلقه محاصره را می‌شکستند و مشک‌های خود را پر از آب می‌کردند و به خیمه‌ها برمی‌گشتند. امّا با مراقبت بیشتر سپاه دشمن، از روز هفتم به بعد، کار تهیّه آب مشکل شد و در خیمه‌ها کمبود آب بود.

تا اوج عطش و تشنگی که روز عاشورا بود.

نهر علقمه را به یاد داشته باش، دوباره به آنجا سر خواهیم زد و از شهید علقمه یاد خواهیم کرد.

وقتی امام در این سرزمین فرود آمد، دستور داد خیمه‌ها را بر پا کنند، امّا آن‌ها را به صورت نزدیک به هم و به حالت نیم دایره. خیمه امام در وسط این خیمه‌ها بود. بعضی از خیمه‌ها مخصوص امام و اهل بیت او و جوانان هاشمی بود، برخی برای یاران و همراهان و بعضی هم مخصوص سلاح و ادوات جنگ و مشک‌های آب و ...

امروز وقتی به کربلا می‌روی، به دیدن محلّی می‌روی که به فاصله بیش از ۲۰۰ متر دورتر از حرم امام حسین علیه السلام قرار دارد و به صورت بنای یادبودی است که جایگاه خیمه‌های امام حسین علیه السلام را نشان می‌دهد که از محلّ درگیری و میدان جنگ فاصله داشت.

بگذریم. روز عاشورا فرا رسید. امام و فرزندان و یارانش از جلوی این خیمه‌ها به طرف میدان می‌رفتند و می‌جنگیدند. یک بار حمله عمومی طرف صبح انجام گرفت، از آن پس نبرد تن به تن. ابتدا یاران امام یکایک به میدان رفتند و جنگیدند و شهید شدند. سپس جوانان هاشمی و در

ص: ۳۶

آخر حضرت عباس و در پایان همه امام حسین علیه السلام بود که در نبرد دلاورانه با آنان شهید شد. هر کس به میدان می‌رفت، رَجَز و شعرها و شعارهای حماسی می‌خواند و درگیر می‌شد. این نبردها که از صبح عاشورا شروع شده بود، تا بعد از ظهر ادامه یافت.

تپه ماهورهایی میان خیمه‌ها و میدان فاصله انداخته بود. اگر کسی می‌خواست میدان را ببیند، باید روی آن بلندی می‌آمد تا میدان و سپاه دشمن در چشم اندازش قرار گیرد. اینکه اکنون در کربلا نزدیک حرم سیدالشهدا به فاصله ۳۰ متر آن طرف خیابان، جایگاهی وجود دارد به نام «تلّ زینبیّه» که با چند پلّه بلندتر از سطح خیابان ساخته شده و شبیه یک حسینیه کوچک است و زائرین کربلا آنجا را هم زیارت می‌کنند، یکی از همان بلندی‌هایی بود که روز عاشورا حضرت زینب برای کسب خبر از وضع میدان و سرنوشت برادرش، چند بار از جلوی خیمه‌ها به آن بلندی آمد و به صحنه نبرد نگاه کرد. فاصله چندانی بین تلّ زینبیّه و حرم نیست. این ساختمان به یاد آن حادثه و برای زنده نگه داشتن آن خاطره ساخته شده است.

روز عاشورا وقتی همه یاران و نزدیکان و فرزندان امام به شهادت رسیدند، خود آن حضرت به میدان رفت. بارها حمله کرد و با آن گروه جنگید و عدّه‌ای را کشت. ولی خودش هم خیلی تشنه و خسته و زخمی بود. تنهای تنها آن قدر جنگید و زخم بر پیکر او وارد شد که سرانجام بر زمین افتاد.

امّا هنوز زنده بود و جان در بدن داشت. شمر که یکی از جلّادان و نیروهای بی رحم دشمن بود، با قساوت تمام، سر امام حسین علیه السلام را از پیکرش جدا کرد.

ص: ۳۷

کربلا، مدفن امام حسین علیه السلام

محلّی که امـام حسـین علیه السـلام بر زمین افتـاده بـود و همانجـا شـهیدش کردنـد، کمی گـودتر از جاهـای دیگر میـدان بود. به آن قسـمت، «گودال قتلگاه» می‌گویند. وقتی وارد حرم امام حسـین می‌شوی، به فاصـله کمی از جایی که ضـریح مطهّر قرار دارد، راهرو باریکی است که به اتاقکی ختم می‌شود و آنجا هم ضـریح کوچکی بر قسـمتی از دیوار است و داخل آن چراغ سرخی روشن است. آنجا را هم زیارت می‌کنند و گریه می‌کنند. آنجا همان محلّی است که امام در روز عاشورا بر زمین افتاد و شـهید شد. وقتی دو روز بعد از عاشورا، امام سـجاد علیه السلام برای دفن شهدا از کوفه به کربلا آمد، پیکر امام حسین علیه السلام را در حصیری پیچید و در جایی دفن کرد که امروز ضریح مقدّس بر روی آن است.
اگر دقت کنی، ضـریح امام حسین علیه السلام، دو گوشه اضافه‌تر از ضریح‌های دیگر دارد. یعنی «شش گوشه» است و آن دو گوشه اضـافه‌تر به خـاطر آن است که امـام سـجاد، پیکر برادرش حضـرت علیّ اکبر را طرف پـایین پای امام حسـین به خاک سپرد. ضـریح راشـش گوشه ساخته‌اند، تا جای دفن حضرت علی اکبر مشخص باشد. در اطراف ضریح امام حسین علیه السلام، محلّ دیگری است که پنجره فولادی مثل ضـریح دارد و نام شـهدای دیگر کربلا بالای آن نوشـته است. این همان جایی است که امام سـجاد پیکرهای پـاک دیگران را (چه از فرزنـدان و خویشاونـدان امـام و چه از یـاران و همراهان شـهیدش) همه را در یک جا گرد آورد و به خاک سپرد.

ص: ۳۸

حرم ابا الفضل علیه السلام

به فاصله ۳۰۰ متر از حرم امام حسین علیه السلام به طرف شرق، حرم حضرت اباالفضل علیه السلام قرار دارد، فرزند گرامی امیرالمؤمنین و علمدار رشید امام حسین علیه السلام که در ۳۴ سالگی در کربلا شهید شد. فاصله این دو زیارتگاه را «بین الحرمین» گویند. قدیم‌ها در این فاصله، خانه و مغازه و کوچه و مسافرخانه بوده، ولی الآن فضای باز و یکدستی دیده می‌شود که با دو ردیف نخل‌های تزیینی و سایه‌بانی در امتداد آنها، مکان مناسبی برای تجمّع مردم و مراسم عزاداری یا استراحت زائران است و ساختمان دیگری بین این دو حرم نیست. شاید روزی هم ا ین دو حرم به یک حرم بزرگ تبدیل شود.
امّا چرا دو حرم؟ ... شنیده‌ای که روز عاشورا حضرت عباس، برای آوردن آب از نهر علقمه، مشک بر دوش به آب فرات رسیدو مشک را پر از آب کرد و در بازگشت از لا به لای نخلستان به طرف خیمه گاه، با سپاه دشمن که او را محاصره کرده بودند درگیر شد. آنان کمین کردند و در یک نوبت با ضربتی دست راست او را از کار انداختند و در نوبت دیگر دست چپ او قطع شد و او که می‌خواست سوار بر اسب با همان حالت آب را به خیمه‌ها برساند، دشمنی از پشت یک نخل ناگهان بیرون آمد و با گرز آهنین بر سر آن حضرت زد و وی از اسب بر زمین افتاد و همانجا شهید شد. وقتی امام سجاد علیه السلام برای دفن شهدا آمده بود، پیکر قطعه قطعه

ص: ۳۹

عباس را همانجا که افتاده بود به خاک سپرد و آن را نزدیک پیکر سیدالشّهدا نیاورد. نزدیک حرم حضرت اباالفضل، دو جایگاه دیگر هم به عنوان نماد و یادبود ساخته‌اند که شبیه سقّاخانه‌هاست که یکی محلّ قطع شدن دست راست عباس است و دیگری محلّ جدا شدن دست چپ از پیکرش.

می‌دانی که این دو محل، محلّ دفن دست‌های بریده نیست، بلکه جایی است که دستان او در درگیری با دشمن در این دو جا قطع شد. این نیز برای زنده نگه داشتن خاطره آن حماسه و مظلومیّت است.

این همه که از فرات و عطش و شهادت امام و یارانش با لب تشنه در کنار آب فرات شنیده‌ای، مربوط به همان نهر علقمه است که از فرات منشعب می‌شود. قبلًا هم اشاره کردم که فرات، رودخانه بزرگ و پر آبی است که چند کیلومتر آن طرف‌تر قرار دارد و مثل رود دجله از کوههای ترکیه سرچشمه می‌گیرد و این دو نهر، پس از پیمودن صدها کیلومتر در خاک عراق، در یک جا به هم متّصل می‌شوند و به خلیج فارس می‌ریزند. محلّ برخورد و به هم پیوستن این دو رودخانه را «اروند رود» یا به قول عرب‌ها شطّ العرب می‌گویند.

زیارت کربلا

باری ... آن روزها و سال‌ها گذشت. روزهایی بود که کربلا تنها یک بیابان بود و هیچ آبادی و ساکنانی نداشت. البته در اطراف آنجا قبایلی کوچک با فاصله‌های مختلف زندگی می‌کردند، مثل قبیله بنی اسد که برای دفن اجساد شهدا هم

ص: ۴۰

آمـده بودند و به امام سـجاد کمک کردند، ولی کربلا دشت خالی بود. در چهلمین روز شـهادت امام حسـین علیه السـلام که به آن اربعین می‌گوییم، دو نفر از شـیعیان معروف به نـام جابر بن عبـداللّه و عطیّه برای زیارت قبر امام حسـین علیه السـلام آمدنـد. آن دو، اوّلین زائران قبر سیدالشّـهدا بودند. بنا به نقلی اهل بیت امام حسـین علیه السـلام هنگام برگشت از شام به مدینه، از همین مسـیر عبور کردند و به کربلا آمدند تا قبر سیدالشهدا و دیگر عزیزان را زیارت کنند و در همین سفر بود که با جابر و عطیّه برخورد کردند.
حادثه‌ای که در کربلا رخ داد و به شـهادت امام و یارانش انجامیـد، از یک سو برای خاندان پیامبر یک افتخار بود که در راه مبارزه بـا ظلم و دفاع از حق، آن حماسه را آفریدنـد و شـهید دادنـد ولی زیر بار زور نرفتنـد. از سویی هم برای بنی‌امیّه مایه ننگ بود که به خاطر ریاست و حکومت، دست به چنان کشـتار بی رحمانه و بی سابقه زدنـد و عزیزترین انسان‌ها و خالص‌ترین بندگان خدا را قتل عام کردند و با این که ادّعا می‌کردند در دین حضرت محمّدند، ولی فرزندان پیامبر را کشتند.
از آن پس، بنی امیّه می‌کوشـیدند تا این حادثه رسواگر از یادها برود و کسـی از شـهدای عاشورا یاد نکند و به زیارت قبرشان نرود. امامان شـیعه هم پیروان خود را تشویق می‌کردند که برای ادای احترام به آن شهیدان راه خدا و اظهار محبّت و دوستی نسبت به آنان و برای زنده نگه داشتن یاد و خاطره آنان، به زیارت کربلا بروند و برای آن شهید عزاداری و گریه و نوحه کنند و زیارت قبر امام

ص: ۴۱

حسین علیه السلام را در آن شرایط خفقان بار و خطرناک، یکی از بافضلیت‌ترین کارها می‌دانستند، چون چنان زیارتی اعلام همبستگی با راه شهیدان بود و زائری که به زیارت سیدالشهدا می‌رفت و می‌رود، معنای کارش این است که ما طرفدار این جبهه و گروهیم و از جهادشان طرفداری می‌کنیم و با دشمنانشان مخالفیم و از جنایتشان بیزاریم، یعنی همان «تولّی» و «تبرّی» که از وظایف دینی هر مسلمان و از فروع دین است.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس ادّعا دارد که شیعه ماست، ولی به زیارت کربلا نرود، ادّعای او ثابت نمی‌شود.

عشق زیارت

به هر حال، رفتن به زیارت کربلا که خطر هم داشت، ثابت می‌کرد که زائر به این خاندان و به راهشان عقیده دارد و طرفدار آنان است و زیارت، نوعی عهد بستن با شهدا بود که هدف و راهشان را فراموش نکند. این حسّ و حالت نسبت به کربلای حسینی همیشه بوده است. در زمان متوکّل عباسی، خلیفه‌ای که به شدّت با خاندان پیامبر و شیعیان مخالف بود، چون تجمّع شیعه را بر گرد مزار سالار شهیدان امام حسین علیه السلام در کربلا می‌دید و از قیام هواداران اهل بیت می‌ترسید، بارها دستور داد تا قبر امام حسین علیه السلام را خراب کنند و مردم را پراکنده سازند و به کسی اجازه رفتن به زیارت کربلا ندهند، ولی پس از گذشت مدّتی، دوباره علاقه‌مندان با شور و حالی خاص، مرقد امام را بازسازی می‌کردند و به زیارت می‌رفتند و دوباره آنجا محلّ رفت و آمد شیعه می‌شد

ص: ۴۲

و آباد می‌گشت. این‌ها همه به سفارش امامان بود و زائران به ثواب الهی می‌رسیدند.

شاید شنیده باشی که در طول تاریخ، خیلی‌ها عشق به زیارت کربلا داشتند. سال‌ها در این آرزو بودند. وقتی هم شرایط فراهم می‌شد، همه گونه سختی را تحمّل می‌کردند و حتّی گاهی جان خود را فدا می‌کردند. در کشور ما یکی از آرزوهای رزمندگان و شهدا در سال‌های دفاع مقدس این بود که با پیروزی به زیارت کربلا بروند. شعار می‌دادند: «کربلا کربلا، ما داریم می‌آییم». بعضی هم پشت پیراهن‌های خود می‌نوشتند: «مسافر کربلا». اصلًا شوق کربلا شوری در دل رزمندگان ایجاد می‌کرد. قدر خودت را بدان که چنین فرصت و توفیقی برایت پیش آمده است.

در قدیم رسم بود کسی که می‌خواست به زیارت کربلا برود، چون این سفر چند ماه طول می‌کشید، خیلی خاطره‌ای و با شور و احساسات بود. مردم، زائر کربلا- را بدرقه می‌کردند و چون برمی‌گشت، طیّ مراسمی استقبال انجام می‌گرفت و در این مراسم، کسی با نوای سوزناکی شعرهایی می‌خواند که به آن «چاووش خوانی» می‌گفتند. وقتی برمی‌گشتند، به آنان «کربلایی» می‌گفتند و مورد احترام بودند. کربلا رفته‌ها هم سعی می‌کردند حرمت این لقب و عنوان را حفظ کنند و کار ناپسند و گناه نکنند. آنان همیشه از خاطرات سفر کربلا برای دیگران می‌گفتند و شوق آنان را برای زیارت می‌افزودند.

ص: ۴۳

و ... جاهای دیگر

باز برویم سراغ کربلا. در کربلا به زیارت حرم‌ها و قبرهای دیگری هم می‌روی که به نوعی با حادثه عاشورا ارتباط دارد.

مثلًا قبر «طفلان مسلم» را زیارت می کنی. می‌دانی که «مسلم بن عقیل»، نماینده و فرستاده امام حسین و پسر عموی او بود که امام، قبل از رفتن به کوفه، او را همراه نامه‌ای فرستاد تا مردم به او بپیوندند و زمینه‌ای برای آمدن امام به کوفه و مبارزه با ظالمان بنی امیّه فراهم شود. داستانش مفصّل است. مردم بی وفایی کردند و او تنها ماند و دستگیر و شهید شد. (۱) دو پسر او به نام‌های محمد و ابراهیم که کوچک بودند، در کاروان امام حسین علیه السلام بودند و به کربلا رفتند. پس از جریانات عاشورا و اسیر شدن اهل بیت امام حسین و کودکان دیگر، آن دو پسر هم به صورت اسیر به کوفه برده شدند. ابن زیاد (حاکم کوفه)، چون آن دو را شناخت و فهمید که پسران مسلم‌اند، دستور داد آنان را زندانی کنند. اسیران اهل بیت، از کوفه به شام و از آنجا به مدینه رفتند و آن دو پسر همچنان در زندان بودند.

یک سال گذشت، روزی پیرمردی به نام مشکور که زندانبان بود و از علاقه‌مندان امام حسین علیه السلام به شمار می‌رفت، آن دو را شناخت و دلش به حال آنان سوخت و کمک کرد تا از زندان گریختند. ولی پس از چند روز دوباره دستگیر شدند. آنکه آنها را پیدا کرد، مرد پلیدی به نام «حارث» بود، آن دو عزیز بی گناه را کنار فرات برد و سر از بدنشان جدا کرد، پیکر آنان را به آب انداخت و سر آن دو را

۱- به حرم آن شهید، هنگام سخن از مسجد کوفه اشاره کردیم.

ص: ۴۴

پیش ابن زیاد برد تا جایزه بگیرد. در حوالی کربلا به فاصله ۴۰ کیلومتر دورتر از کربلا در راه بغداد، نزدیکی شهر مُسیّب، مدفن و زیارتگاه آن دو شهید نوجوان است که حرم آنان دو گنبد دارد. خیلی‌ها به زیارت آنان می‌روند و مظلومیّت ایشان را به یاد می‌آورند.

یکی دیگر از زیارتگاهها، قبر «عَون» پسر حضرت زینب است که حدوداً در ده کیلومتری شمال غرب کربلا قرار دارد.

همچنین قبر «حُرّ» در شش کیلومتری جنوب غربی کربلاست که زائران به زیارتش می‌روند، همان کسی که ابتدا با لشکر هزار نفری راه را بر امام حسین علیه السلام بست و نگذاشت آن حضرت به کوفه برسد، ولی وقتی برای او روشن شد که سپاه کوفه با امام خواهند جنگید و تصمیم به قتل امام دارند، در یک اقدام شجاعانه از لشکر دشمنان امام حسین جدا شد و به آن حضرت پیوست و جزو اولین شهیدانی بود که در کربلا در رکاب امام به شهادت رسید. او از قهرمانان کوفه به شمار می‌رفت و چون قبیله او در یک فرسخی کربلا زندگی می‌کردند، پیکر او را به آن منطقه بردند و به خاک سپردند.

قدم به قدم این سرزمین، خاطراتی از عشق و ایثار مردان خدایی دارد. امید است هنگام زیارت این دیار، حوادث گذشته و قهرمانان فداکار را به یادآوری و از رشادت و ایمان آنان الهام بگیری.

درباره کربلاـ و حرم حسینی و زیارتگاهای این منطقه، گفتنی بسیار است. فعلًا به این اندازه بسنده می‌کنیم و سری به کاظمین می‌زنیم.

ص: ۴۵

کاظمین بارگاه دو امام مظلوم

حرم دو امام شهید

اشاره

ص: ۴۶

ص: ۴۷

در «کـاظمین»، قبر دو امـام معصوم، یعنی امـام کـاظم علیه السـلام و امـام جواد علیه السـلام را زیارت می کنی. زیارتگاه‌ها و قبرهای دیگری هم هست که اشاره خواهم کرد.

اول با این شـهر و سابقه‌اش کمی آشـنا شویم. «بغـداد»، پایتخت خلفای عباسـی بود. رودخانه دجله از وسط بغداد می گذشت. امروز هم همین طور است. در غرب روخانه دجله و بیرون بغداد، گورستانی بود که به «مقابر قریش» مشهور بود. دور آن دیواری داشت و کسانی را که از طایفه قریش از دنیا می‌رفتند، در آنجا به خاک می‌سپردند.

امام کاظم علیه السلام، هفتمین پیشوای شیعه، که از سوی خلفای عباسی به خصوص هارون‌الرشید، بسیار مورد آزار قرار گرفته بود، سال‌هـا در زنـدان‌های مختلف آن حاکمان سـتمگر محبوس بود. سـرانجام پس از سال‌ها زنـدانی بودن، در روز ۲۵ رجب سال ۱۸۳ هجری در زنـدان بغـداد مسـموم و شـهید شـد. پیکر پاک آن امام مظلوم را برای دفن، به همان گورسـتانی بردند که یاد شد. سال‌ها بعد، نوه آن حضرت، یعنی امام جواد علیه السلام نیز که روز آخر ذی‌قعده سال ۲۲۰

ص: ۴۸

هجری به دست خلفا به شهادت رسید، در همان جا کنار قبر امام موسی بن جعفر علیه السلام به خاک سپرده شد. آن منطقه بعدها تبدیل به شهری مستقل شد و نام «کاظمین» بر آن نهادند. کاظمین، یعنی دو کاظم. منظور امام کاظم و امام جواد علیهما السلام است که در یک مکان مدفونند.

روزگاری دیواری بر گرد آن قبرستان بود و به آسانی نمی‌شد به زیارت قبر امام کاظم علیه السلام رفت، به علاوه از سوی حکومت عباسیان مورد کنترل بود. امام رضا علیه السلام به یکی از یاران خود توصیه می‌کرد که به زیارت قبر آن امام مظلوم برود. وقتی آن شخص پرسید: اگر ترس داشتم و نتوانستم وارد آنجا شوم چه کنم؟ فرمود: «از پشت دیوار سلام بده». این هم شاهد دیگری بر مظلومیت اهل بیت پیامبر است.

باری ... سال‌ها گذشت. در زمان معزّالدوله دیلمی در سال ۳۳۶ هجری قبّه و بارگاه ساده‌ای روی مزار آن دو امام ساخته شد که دو ضریح و دو گنبد داشت و کاظمین رونق بیشتری یافت. شهر کاظمین، شهری تاریخی است. بارها به خاطر حوادث طبیعی یا حمله غارتگران مورد تخریب قرار گرفته، ولی دوباره تعمیر شده است. در اواخر قرن پنجم در دوره حکومت آل بویه حرم کاظمین علیهما السلام بازسازی شد و حرم باشکوهی برای آن دو امام ساختند و مردم هم به زیارت آن دو مزار پاک می‌رفتند.

در احادیث امامان، به زیارت کاظمین توصیه شده است.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: هر کس قبر پدرم را در بغداد زیارت کند، مثل آن است که قبر پیامبر خدا و قبر امیرمؤمنان را زیارت کرده است.

ص: ۴۹

امروز حرم این دو امام در شـهر کاظمین که به بغداد وصل شده است، مورد توجّه زائران علاقه‌مند به خاندان پیامبر است. صحن‌های بزرگ و ایوان‌های دلگشا، دو گنبد طلایی و حرمی باصـفا و معنویّت، که مزار آن دو امام معصوم است، شـکوه خاصّ‌ی به این شهر تاریخی داده است.

مزارهای دیگر

وقتی به کـاظمین و بغـداد می‌روی، علاـوه بر زیـارت قبر این دو امـام، قبور دیگری را هم زیـارت می‌کنی. به بعضـی از این‌ها اشاره می‌شود:

۱. قبر شیخ مفید، از علمای بزرگ شیعه در قرن چهارم، در بخش شرقی حرم کاظمین در ایوان قرار دارد.

۲. قبر خواجه نصیر طوسی، از دانشمندان برجسته که در سال ۶۷۲ درگذشته، در رواق غربی حرم است.

۳. آرامگاه سیّد رضـی و سید مرتضی که هر دو از بزرگترین علمای شیعه در قرن چهارم بودند، به صورت جدا از هم و با فاصله‌ای انـدک، بیرون از صـحن کاظمین در قسـمت جنوب حرم قرار دارد که هر دو، بقعه و گنبـدی جداگانه دارند و یک خیابان بین مرقد آن دو و حرم ائمّه فاصله انداخته است.

۴. ابن قولویه قمی که از راویان حدیث و از علمای شیعه بود و در سال ۳۶۸ هجری از دنیا رفت، داخل حرم مدفون است.

اگر در دایره بزرگتری قرار بگیریم و بغداد را هم در نظر آوریم، با چند زیارتگاه دیگر هم رو به رو می‌شویم:

ص: ۵۰

۵. قبر سلمان فارسی از اصحاب بزرگوار پیامبر در شهر مدائن است که در ۴۰ کیلومتری جنوب بغداد قرار دارد و صحن و سرای دلگشایی دارد. او که مدّتی استاندار مدائن بود، در سال ۳۶ هجری در مدائن از دنیا رفت و همانجا به خاک سپرده شد.

۶. حذیفهٔ بن یمان، یکی دیگر از اصحاب پیامبر و یاران امام علی علیه السلام بود. قبر او در کنار قبر سلمان است.

۷. مقبره مرحوم کلینی از دانشمندان برجسته شیعه و مؤلّف کتاب «کافی» نیز در شرق شهر بغداد است. وی در سال ۳۲۹ هجری از دنیا رفت. مزار او هم گنبد و بارگاه دارد.

۸. قبور سفرای چهارگانه امام زمان علیه السلام در دوره غیبت صغری. امام زمان علیه السلام در فاصله ۶۹ سال (از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری) در چهار دوره، توسّط چهار نماینده ویژه با شیعیان در ارتباط بود. آن چهار نفر عبارتند از:

عثمان بن سعید، محمد بن عثمان (که این دو پدر و پسرند و قبرشان در مرکز شهر بغداد است و ضریح و بارگاه دارند)، حسین بن روح و علی بن محمد سمری که قبر این دو در دو منطقه جداگانه از بغداد است. مزار این چهار شخصیت مهم به دلایل مختلف در برنامه زیارتی کاروان‌های زائر عتبات قرار ندارد.

غیر از زیارتگاه‌های یاد شده، یکی دیگر از جاهای مهم «مسجد بُراثا» است که در مسیر راه کاظمین به طرف بغداد در محله اعظمیّه قرار گرفته و سابقه تاریخی دارد و قبلًا جایگاه نماز حضرت مریم و حضرت عیسی بوده است. و به دستور حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام بازگشت از جنگ نهروان

ص: ۵۱

در آن منطقه ساخته شـده و نماز در آن فضـیلت بسـیار دارد و پیامبرانی هم در آنجا نماز خوانده‌اند و کراماتی از حضـرت علی علیه السـلام در آنجا آشـکار شده است. بُراثا نام دهکده‌ای بوده که در آنجا یک مسـیحی به دست علی علیه السـلام مسـلمان شد. امروز یکی از پایگاه‌های حضور و تجمع شیعیان در بغداد به شمار می‌رود.

وقتی به اینگونه جاها می‌روی، تاریخ در نظرت مجسّم می‌شود و چون به زیارت بزرگان دین و علمای شیعه می‌پردازی، با افتخارات بزرگ مکتب اهل بیت آشـنا می‌شوی و سابقه درخشان حوزه علمیه کاظمین و شخصـیت‌های بزرگ شـیعه و خدمات علمی و دینی آنان را یاد می‌کنی و این، نوعی احترام و ارج نهادن به آن بزرگان است.

ص: ۵۲

ص: ۵۳

سامرّا دیار غربت و مظلومیّت

حرم دو امام معصوم علیهما السلام

اشاره

ص: ۵۴

ص: ۵۵

سامرّا، زیارتگاه دیگری در سرزمین عراق است. شهری در ۱۱۰ کیلومتری شمال بغداد و شرق رودخانه دجله، که در منطقه‌ای سرسبز و زیبا قرار دارد. نام اصلی آن «سُرَّ مَن رأی» بوده است (یعنی هر که آن را ببیند خوشحال می‌شود) که به مرور زمان به سامرّا تغییر یافته است. سه سال طول کشید تا آن شهر را ساختند. بنای آن در زمان معتصم، خلیفه عباسی بود. پس از تکمیل آن، معتصم از بغداد به سامرا آمد و آنجا را پایتخت خود قرار داد و سپاه انبوه خود را هم در آنجا مستقر ساخت. چون این شهر، یک شهر نظامی و محلّ حضور سربازان بود، به آن عسکر و مُعسکر هم می‌گفتند و به همین سبب، امام یازدهم شیعه هم لقب «عسکری» دارد.

حرم و قبر امام هادی و امام عسکری علیهما السلام در این شهر قرار دارد. امّا چرا این دو امام در اینجا مدفونند؟

می‌دانی که خلفای ستمگر عباسی با امامان ما مخالف بودند و از محبوبیّت آنان هراس داشتند و همیشه آنان را زیر نظر داشتند. وقتی خلیفه به سامرّا منتقل شد، دستور داد امام هادی را نیز به اجبار به این شهر بیاورند. این بود که

ص: ۵۶

حضرت هادی علیه السلام با آنکه بیشتر دوست داشت در شهر و وطن خود یعنی مدینه بماند، به سامرّا آمد. چند سال بعد هم خانواده او به این شهر آمدند. مدت ۲۰ سال از عمر خود را در این شهر گذراند و با همه محدودیت‌ها و کنترل‌ها، هدایت شیعه را برعهده داشت. سرانجام در سنّ ۴۱ سالگی به دستور متوکّل عباسی به شهادت رسید و در همان خانه خویش که خانه وسیعی بود به خاک سپرده شد.

پس از شهادت امام هادی علیه السلام در سال ۲۵۴ هجری، امامت شیعه به فرزند او امام حسن عسکری علیه السلام رسید. امام عسکری هنگام شهادت پدر، جوان بود. او هم از طرف خلفای عباسی مورد آزار و سختگیری قرار می‌گرفت و به شدّت زیر نظر بود. پس از چند سال، در سن ۲۸ سالگی در سال ۲۶۰ هجری به دست «معتمد عباسی» شهید شد و در همان خانه کنار قبر پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد. هم به این امام و هم به پدر بزرگوارش امام هادی «عسکریّین» می‌گویند، چون در این شهر نظامی و محدوده حضور لشکریان سکونت داشتند. امام عسکری ۱۱ سال در این شهر زیست و از همین جا با پیروان ارتباط داشت و آنان را ارشاد و هدایت می‌کرد و در همین خانه بود که امام زمان علیه السلام در نیمه شعبان در سال ۲۵۵ هجری چشم به جهان گشود، تولّدی معجزه‌آسا، که درباریان از ولادت او آگاه نشدند.

به هر حال، آن خانه بزرگ که مدفن آن دو امام شد، دیواری بلند داشت و پنجره‌ای رو به بیرون و خادمی که به کارهای آن رسیدگی می‌کرد. مدّت‌ها زائران قبر این دو امام، بیشتر از پشت آن پنجره قبر امامان خویش را زیارت

ص: ۵۷

می‌کردنـد و گاهی هم با سـختی‌هایی رو به رو بودند. اغلب ساکنان سامرا اهل سنّت بودند. اکنون نیز چنین است. بعدها آن خانه و قبرهـای مطهر به صورت حرم درآمـد و صـحن و قبّه و بارگـاه برای آن سـاخته شـد. و مورد توجّه شـیعیان قرار گرفت. البته بارها از سوی مخالفان مورد هجوم قرار گرفت و آسیب دید، ولی دوباره با همّت و عشق علاقه‌مندان به اهل بیت بازسازی شد. (۱)

غیر از مرقد پاک دو امام معصوم، چند قبر دیگر در حرم است:

۱. قبر حکیمه خاتون، دختر امام جواد و عمّه امام عسـکری، که هنگام تولّـد حضـرت مهدی علیه السـلام در این خانه حضور داشت. مدفن او پایین پای دو امام است.

۲. قبر نرجس، مادر امام زمان، که پشت قبر امام عسکری قرار دارد.

۳. قبر حسین، فرزند امام هادی، که در شمال قبر آن دو امام معصوم قرار دارد.

سرداب مطهّر

در حرم سـامرا بیرون از بقعه امامان، اتاقی وجود دارد که چنـد پلّه می‌خورد تا به آنجا برسـد. این سـرداب در زمان امام هادی و امام عسکری محلّ عبادت آنان بود. حضرت مهدی علیه السلام هم در همانجا عبادت می‌کرد. علاقمندان به آن

۱- در سال ۱۳۸۴ ش دشـمنان اهـل بیت، بـا مواد منفجره حرم این دو امام را منفجر و تخریب کردنـد. به امیـد روزی که با برقراری امنیت در عراق و سامرا، باشکوه‌تر از گذشته بازسازی شود.

ص: ۵۸

حضرت، به یاد آن امام غریب آنجا را زیارت می‌کنند. این سرداب را «سرداب غیبت» هم می‌گویند. بعضی‌ها تصوّر می‌کنند محلّ غیبت امام دوازدهم از همین جا بوده است.

حرم سیّد محمّد

یکی از امامزادگان بزرگوار، حضرت سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام است و مدفن او که صحن و سرای باشکوهی دارد در ۳۰ کیلومتری جنوب سامرّا قرار دارد. مردم عراق و زائران دیگر به او اعتقاد خاصّی دارند و از کرامت‌های او خاطرات زیادی نقل می‌کنند. زائران هنگام رفتن به سامرّا این حرم را هم زیارت می‌کنند. درگذشت او در سال ۲۵۲ هجری بود.

حوزه علمیه سامرا

به برکت قبر و حرم این دو امام معصوم، شهر سامرا شهرتی بسیار یافت. در یک قرن اخیر، مرحوم آیةاللّه میرزای شیرازی، صاحب فتوای معروف «تحریم تنباکو» که بر ضدّ بیگانگان مبارزه می‌کرد، به این شهر آمد و حوزه علمیه سامرا را تأسیس کرد و علمای بسیاری در این حوزه پرورش یافتند. شاید نام کسانی همچون سیدحسن صدر، سید محسن امین، سیدشرف‌الدین، کاشف‌الغطاء، علامه محمدجواد بلاغی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، مظفّر و ... را شنیده باشی که همه از علمای بزرگ و نویسندگان برجسته شیعه‌اند. اینان همه از تربیت شدگان حوزه سامرّا بودند.

سامرا درگذشته، کتابخانه‌های متعدّد، مراکز علمی فراوان و

ص: ۵۹

محافل علمی و ادبی گوناگون داشت و مرکزی برای علمای دینی به شمار می‌رفت.

سخن آخر ...

آنچه گذشت، نگاهی گذرا به زیارت و سازندگی‌های آن و آشنایی اجمالی با حرم‌ها و زیارتگاه‌ها و جاهای تاریخی سرزمین عراق بود.

امید است این شناخت مختصر از نجف و کربلا و کاظمین و سامرّا، کمک کند تا از این زیارت، بهره‌های معنوی بیشتری ببری.

همیشه اولین زیارت، زمینه آشنایی را فراهم می‌آورد و زیارت‌های بعدی پربارتر و آگاهانه‌تر انجام می‌گیرد.

از خدا بخواه که بارها و بارها زیارت عتبات و دیدار حرم‌های امامان را نصیب تو کند.

با عترتیم و چون غزلِ عاشقانه‌ایم بر شاخه بلند ولایت، جوانه‌ایم

ما مرغ بام خانه آل محمّدیم هرجا رویم، در پی عترت، روانه‌ایم

«پایان»

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹